

تحکیم

نشریه رسمی اتحادیه دانشجویی دفتر تحکیم وحدت

دیپلماسی اقتصادی







ارتباط با ما

تلگرام دفتر تحکیم وحدت

Daftartahkimvahdat



اینستاگرام دفتر تحکیم وحدت

tahkimplus



رایانامه سردبیر

saeedvasheghanii@gmail.com



نشانی

خیابان ایرانشهر نرسیده به خیابان انقلاب
جنب مسجد جلیلی ساختمان امام صادق (ع)
پلاک ۲۶ واحد ۷ و ۸





نام نشریه:
تحکیم

صاحب امتیاز:

اتحادیه دفتر تحکیم وحدت

مدیر مسئول:

امیررضا بخشی پور

جانشین سردبیر:

سعید واشقانی فراهانی

طراح:

تکتم روشن

هیات تحریریه:

امیررضا بخشی پور

سعید واشقانی فراهانی

عرفان ابراهیمی _ زهرا مظهری

عارف رجبی _ محسن احمدلو

مهدی ملکی

فهرست مطالب

سخن آغازین

۷

بررسی مفهوم دیپلماسی اقتصادی

۸

موانع و راهکارهای دیپلماسی اقتصادی
در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

۱۰

ظرفیت اقتصادی عضویت ایران
در سازمان همکاری شانگهای

۱۷

سازمان همکاری اقتصادی اکو و ظرفیت
آن برای جمهوری اسلامی ایران

۲۲

چشم انداز عضویت در بریکس

۲۶

دیپلماسی اقتصادی در سیاست
خارجی دولت سیزدهم

۳۰

مصاحبه با خانم دکتر ثمانه اکوان

۳۵

سخن آغازین

امیر رضا بخشی پور

دبیر کل دفتر تحکیم وحدت

جنگ اقتصادی همه جانبه دشمن علیه ملت ایران که با هدف تسلیم مقاومت مردم ایران شکل گرفته است بر پایه چند باور شکل گرفت اولین پایه این جنگ بر مبنای تحریم های حداکثری بنا شده است. همچنین استفاده از ابزار دلار جهت تنظیم مناسبات اقتصادی بازار داخلی ایران و اختلال در آینده اقتصادی کشور از دیگر ابزارهای غرب علیه مقاومت مردمی ایران می باشد. همچنین پایه سوم این جنگ تبلیغات همه جانبه و ایجاد ادارک نادرست از وضعیت کشور و تاثیر بر اذهان عموم ملت ایران برای ناکارآمد نشان دادن گفتمان انقلاب در مدیریت معیشت مردم است. دفتر تحکیم وحدت در جدیدترین نشریه خود که با موضوع دیپلماسی اقتصادی نگاشته شده است سعی دارد تا ضمن تشریح این جنگ به تبیین ظرفیت های موجود کشور پرداخته و روی دیگر مقاومت هوشمندانه استفاده از ظرفیت های مختلف اقتصادی است و راه حل مسائل کشور از جهد و تلاش شبانه روزی برای بالفعل کردن این ظرفیت ها می گذرد و نه تسلیم در برابر فشارهای غرب یا ایجاد تفاهامات موسمی و فصلی که به صرف یک امضا ابرقدرت ها از بین خواهد رفت. امید است با تولید ادبیات مقاومت در عرصه مسائل مرتبط با اقتصاد و تبیین این روش در فضای نخبگانی- دانشجویی جریان انقلاب ثمره شیرین این مقاومت نظیر مقاومت نظامی ایران در برابر اشغالگران منطقه ای بر همگان روشن شود و ملت ایران که تحت تاثیر دفاع مقدس قاسم سلیمانی ها را برای میدان سیاست و دفاع پرورش دادند در این جنگ اقتصادی نیز بتوانند سلیمانی های عرصه اقتصاد را کشف نمایند

بررسی مفهوم دیپلماسی اقتصادی

محسن احمدلو



دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

تعریف مفاهیم اجماع نمی شود اما نکته واضح در این بیان این است که هر پدیده دارای خصوصیات و رفتاری است که باید در تعریف آن گنجانده شود، مبحث دیپلماسی اقتصادی نیز از این اصل جدا نیست و نخواهد بود؛ فلذا کامل ترین تعریفی که می توان از آن بیان کرد، این است که دیپلماسی اقتصادی شامل تمامی فعالیت ها، ابتکارها و استراتژی های هماهنگ و سازگار اقتصاد سیاسی در ۲ سطح دولتی و غیر دولتی می باشد که با توجه به پارامتر سیاست خارجی در دو عرصه ی ملی و بین المللی برای کسب جایگاه در اقتصاد جهانی از طرف کارگزاران سیاسی به کار گرفته می شود در جهان هستی بسیاری از موضوعات دارای در هم تنیدگی مفهومی هستند. یکی از این دو مفهوم، دوگانه اقتصاد و سیاست است. این دو مفهوم شاید پس از جنگ جهانی دوم توانستند به دلیل پارامتر مهمی به نام سیاست خارجی،

مفهوم دیپلماسی اقتصادی از منظر سابقه ورودی به ادبیات سیاسی جدید جهان سبقه نسبتا طولانی دارد و شاید بتوان ورود این واژه به عرصه واژگان سیاسی را از به هم پیوند خوردن حوادثی چون فروپاشی شوروی، پایان جنگ سرد و آغاز فرایندی به نام جهانی شدن یاد کرد. یکی از پدیده هایی که در جهان هستی توانست تحولی شگرف ایجاد کند، چالش مهمی به نام جهانی شدن بود. این پدیده سبب شد دو مفهوم اقتصاد ملی و اقتصاد بین المللی از جایگاه قبلی خود ارتقا پیدا کرده و به نوعی در این چالش برند شوند در جمهوری اسلامی ایران، مفهوم دیپلماسی اقتصادی تقریبا از اواخر دهه ی ۷۰ شمسی مفهومی به شکل نوین به ادبیات سیاسی دولتمردان و کارگزاران عرصه ی سیاست خارجی افزوده شد در علوم انسانی یک مشکل چالش برانگیز این است که هیچگاه بر سر



موانع و راهکارهای دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

عرفان ابراهیمی

دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات خاورمیانه دانشگاه علامه طباطبایی

امروزه دیپلماسی به عنوان مهمترین ابزار سیاست خارجی، از نقش برجسته و کارآمدی در کسب منافع ملی برخوردار است. دولت‌های گوناگون عرصه‌ی بین الملل از کارویژه‌ی دیپلماسی در حوزه‌های مختلف بهره می‌برند تا بتوانند با کمترین هزینه‌ی ممکن، بیشترین بازده را دریافت نمایند. در نظام بین الملل، علاوه بر قدرت سخت، کشوری می‌تواند کنشگری پویاتر و فعالانه تری از خود به نمایش بگذارد که به مولفه‌های قدرت نرم

به کمک ابزار دیپلماسی نیز توجه کند. در محیط بین الملل به عنوان یک محیط آنارشیک که از هرگونه نظم و سامان و قانون تهی است، دولت‌ها می‌بایستی منافع خود را از دو مسیر دنبال نمایند، در غیر این صورت در کشاکش رقابت‌های دول کوچک و بزرگ غرق خواهند شد. آن دو مسیر یکی قدرت سخت جهت تامین امنیت و دیگری قدرت نرم است. قدرت سخت به دیپلماسی پشتوانه و اعتبار می‌بخشد اما مکمل آن، قدرت نرم است که

موانع، راهکارهای رفع آن را نیز مشخص کنیم. البته شایان ذکر است که این موانع تنها به دولت سیزدهم محدود نمی‌شود و در طول دوران پس از انقلاب اسلامی، دولت‌های گوناگون به آن توجه اساسی نداشته‌اند و بنابراین دولت سیزدهم در راستای جبران غفلت‌های گذشته مسیر سختی را می‌باید پیماید. در مجموع، در چشم‌انداز کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، متأسفانه اهداف اقتصادی بسیار کم به چشم می‌خورد که این سطحی‌نگری، خود مهمترین مانع در تحقق دیپلماسی اقتصادی است. برای بررسی موانع موجود، می‌باید از دو بعد به مسئله نگاه کرد که عبارتند از موانع بعد داخلی و بعد خارجی که پیوسته بر یکدیگر تاثیر می‌گذارند. اساساً زمانی که گفته می‌شود، در چشم‌انداز کلان سیاست خارجی کشور، نگاه اقتصادی حاکم نیست، در بعد داخلی در میان دستگاه بوروکراسی دولت نیز اساساً چنین چشم‌اندازی یافت نمی‌شود و در دوره‌های گوناگون پس از انقلاب اسلامی، نگاه دولت‌ها به اقتصاد، پررنگ نبوده و متأسفانه از دیپلماسی اقتصادی، تفسیری جز فروش بیشتر نفت، ارائه نشده است! بنابراین نخستین مانع، در تعریف اشتباه و عدم اقبال درست از چنین مفهومی است؛ دیپلماسی اقتصادی صرفاً تلاش برای فروش منابع بیشتر نیست و از چنان

تسهیل‌کننده‌ی دیپلماسی است. اتکای بیش از اندازه بر یکی از این دو قدرت، موجب ناکارآمدی سیاست خارجی یک دولت و بالتبع، مانع از کنشگری فعال آن می‌شود. ابزار دیپلماسی تک‌بعدی نیست و امروزه علاوه بر نوع عمومی آن که دیگر از دست دولت‌ها خارج شده، می‌توان به انواع گوناگون دیپلماسی اشاره کرد که پیگیری هر کدام از آن‌ها، منجر به حفظ و بسط منافع ملی آن کشور با کمترین هزینه می‌گردد از میان انواع دیپلماسی، دیپلماسی اقتصادی بسیار حائز اهمیت است و از آنجایی که دولت‌ها در جهت پیشینه‌سازی نقش خود می‌بایست دو عامل قدرت و ثروت را افزایش دهند، جایگاه اقتصاد پررنگ‌تر می‌شود. از آنجایی که یکی از مهمترین مشکلات گریبانگیر نظام جمهوری اسلامی ایران، معضلات اقتصادی است، کارویژه‌ی دیپلماسی اقتصادی بسیار پراهمیت می‌گردد. نیکبختانه، دولت سیزدهم از روز نخست کاری خود، شعار بکارگیری این ابزار مفید را در جهت رفع مشکلات، مدنظر خود قرار داده است. اما برآستی این ابزار با چه موانعی روبه‌رو است که تحقق آن را دشوار می‌کند؟ در این نوشتار تلاش بر آن داریم به صورت کلی با نگاهی واقع‌بینانه، موانع موجود بر سر راه دیپلماسی اقتصادی دولت سیزدهم را واکاوی نماییم تا در این راستا، با شناسایی

جهت، دستگاه‌ها، وزارتخانه‌ها و نهادهای گوناگون از یک برنامه‌ی اقتصادی منسجم داخلی برخوردار نیستند و سردرگمی در چگونگی بهره‌وری اقتصادی منجر به اقدامات شتابزده شده که ثمری جز اتلاف وقت به همراه نداشته است. امروزه کشور کوچکی مانند قطر بوسیله‌ی ابزار دیپلماسی، ورزش را به اقتصاد یا کشوری مانند ترکیه گردشگری را به اقتصاد پیوند زده است. اما در کشور ما برنامه‌ی هدفمند، نظام مند و منسجم در راستای بهره‌وری اقتصادی بوسیله‌ی دیپلماسی یافت نمی‌شود. در وزارتخانه‌های ورزش و جوانان و وزارتخانه‌ی گردشگری، اثری از تلاش‌های اقتصادی ملموس دیده نمی‌شود و اساساً سرپرستان این وزارتخانه‌ها چنین آگاهی ندارند. بنابراین اقناع سیاستگذاران، ایجاد برنامه‌ی منسجم و هدفمند، نخستین راهکاری است که می‌توان این مانع داخلی را از میان زدود. همانطور که گفته شد دیپلماسی تک بعدی نیست و برای تحقق بهتر آن، باید از ابعاد دیگر آن نیز بهره برد که این موضوع خود مستلزم هماهنگی میان نهادهاست. صرف تقبل این مسئولیت بر دوش وزارت امور خارجه یا سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و یا رایزنی‌های خرد، نمی‌تواند موثر باشد. همه‌ی وزارتخانه‌ها باید نگاهی معطوف به ابعاد بین‌المللی ذیل یک دستورکار فراگیر داشته باشند

بعد گسترده‌ای برخوردار است که برای نمونه، برخی کشورهای نوظهور مانند چین، از این ابزار در جهت به چالش گرفتن نظام بین‌الملل بهره برده‌اند. فقدان نگاه اقتصادی در سطوح گوناگون مدیریتی کشور، باعث شده است که نهادهای و افراد موثر در سیاست و حکومت ایران، اقتصاد را جزو اولویت‌های آخر قرار دهند. دیپلماسی اقتصادی زمانی می‌تواند موثر واقع شود که همگام با نهادهای سیاسی اقتصادی داخل کشور پیش برده شود. نحوه‌ی قانونگذاری‌ها در قوه‌ی مقننه، بایستی در جهت تسهیل ساز و کار تولید و تجارت گردد تا بتوان پشتوانه‌ای به دیپلماسی اقتصادی ببخشد. مدیران و سیاستگذاران گوناگون می‌باید هر تصمیمی را با چشم اندازی اقتصادی اتخاذ نمایند. متأسفانه این نوع نگاه در سیاستگذاری ایران یافت نمی‌شود. این مانع به دولت سیزدهم بازمی‌گردد که می‌بایست در گزینش و چینش مسئولین از حساسیت بالایی برخوردار باشد. هنگامی که مقام معظم رهبری از لفظ دانش بنیان بودن استفاده می‌کنند، منظور از آن، استفاده از اصول علمی است که با کمترین هزینه، بیشترین بازده را به جامعه بدهد و بدین ترتیب بازده اقتصادی مهمترین اصلی است که در دانش بنیان بودن اقدامات و سیاست‌های کشور باید مدنظر قرار بگیرد. از این

که دیپلماسی اقتصادی بتواند قوی تر ظاهر گردد. ثبات داخلی و برقراری امنیت نیز مولفه ی بسیار مهمی است که متأسفانه مورد بی توجهی قرار می گیرد. سیاست خارجی کشور همپیوند با سیاست داخلی پیش می رود و بوسیله ی ابزار دیپلماسی، اساساً زمانی می تواند مقتدرانه در مجامع گوناگون بین المللی ظاهر شود که کشور از بعد داخلی دارای ثبات باشد. دولت سیزدهم بایستی این موضوع بسیار مهم را همواره در نظر داشته باشد که اگر قصد کنشگری فعال در سیاست خارجی را دارد و بخواهد دیپلماسی اقتصادی خود را مصممانه پیگیری نماید، باید از اقداماتی که منجر به وقوع ناآرامی ها یا اعتراضات داخلی می شود، اکیداً خودداری ورزد. متأسفانه ناآرامی های اخیر ایران ضربه ی مهلکی به دستگاه سیاست خارجی کشور وارد آورد که از میزان تحرک دیپلماسی اقتصادی کشور کاست. به صورت اساسی هر پدیده ی اجتماعی قابل پیش بینی است و هر پدیده ی قابل پیش بینی، قابل پیشگیری است و بنابراین حساسیت دولت در جهت ثبات جامعه بسیار حائز اهمیت و فرصت خطا کردن بسیار محدود است. هرگونه ناآرامی از قدرت نرم می کاهد، تمرکز دولت را از موضوعات حیاتی برهم می زند، تحرک پذیری را از سیاست خارجی می گیرد و از جذب بازیگران خارجی جهت دیپلماسی اقتصادی جلوگیری می کند؛ چرا که اساساً ناامنی، سرمایه و روابط اقتصادی را از کشور دور می کند. این موارد که از بعد داخلی به دیپلماسی اقتصادی نگریسته شد، بسیار کلی است و می توان نمونه های بسیاری را ذیل آن تشریح کرد. اما در بعد خارجی، موانعی وجود دارد که دستگاه سیاست خارجی بایستی به آن توجه کند. در نخستین وهله، دولت سیزدهم برای انسجام فکری خود باید به این پرسش پاسخ دهد که اساساً از پیگیری دیپلماسی اقتصادی چه هدفی را دنبال می کند؟ در مقابل این پرسش اساساً سه پاسخ قابل تصور است؛ (۱) صرفاً فروش نفت جهت تامین مخارج دولت (۲) ایجاد شرایط مطلوب جهت واردات و صادرات (۳) ورود سرمایه و رونق سرمایه گذاری. در دولت های رانتیر، گزینه ی نخست، تنها هدف دولت پنداشته می شود که برداشت اشتباهی است و به گونه ای، چیزی جز مسیر خطای گذشتگان را پیمودن در پی ندارد. اما در خصوص ورود سرمایه و رونق گرفتن سرمایه گذاری یا رونق تجارت، پیش از آنکه ابزار دیپلماسی اقتصادی به آن کمک کند، بایستی از بعد داخلی شرایط آن را فراهم نمود تا کمکی به دیپلماسی اقتصادی گردد. در حالی که امروزه باور به عکس این گزاره وجود دارد! نظام اقتصادی کنونی ایران تا اندازه ای مرکانتلیستی می باشد و در این نوع نظام اقتصادی، اساساً بحث رونق تجارت، ورود سرمایه و افزایش سرمایه گذاری، مجال رشد بسیار کمی دارد. این مانع به بعد داخلی کشور ما بازمی گردد و می باید اقتصاد کشور را همسو با استانداردهای اقتصاد باز تدوین نمود تا بتوان شرایط سرمایه گذاری را فراهم کرد.

دستگاه سیاست خارجی دولت سیزدهم برای دریافت عضویت دائم در پیمان همکاری شانگهای قابل تقدیر است اما حتی کشورهایمانند چین، روسیه و دیگر اعضای این پیمان نیز اساساً با بازار بی ثبات نمی توانند براحتی تعامل کنند. البته عامل تحریم به هیچ عنوان بی تاثیر نیست و مهمترین مانع دیپلماسی اقتصادی در بعد خارجی، تحریم می باشد. برخلاف شعاری که مطرح می شود؛ دیپلماسی اقتصادی راهکاری جهت مقابله با تحریم است، در واقع این برداشت نادرست و ناقص، تنها منوط به فروش نفت است! در حقیقت از آنجایی که عامل انرژی در تحولات گوناگون بین المللی می تواند گاهی موثر واقع شود و خود به اهرم فشار مبدل شود که به دیپلماسی اقتصادی کشور بها دهد، اما این برداشت تنها منوط به نفت است که همچون رانتهی در میان کشاکش رقابت قدرت های بزرگ می تواند به کشور ما مجال بازیگری ببخشد. بنابراین به زعم نگارنده، دیپلماسی اقتصادی نه تنها راهکاری جهت مقابله با تحریم نیست بلکه تحریم، خود مانع بسیار بزرگی برای تحقق دیپلماسی اقتصادی است. نظام بین الملل کنونی بر پایه ی رژیم ها، هنجارها و فرایندهای غربی تحمیل شده است که حتی بازیگران تجدیدنظرطلب نظام مانند چین نیز برای آنکه منافعش

در غیر این صورت، دیپلماسی اقتصادی هیچ فایده ای نمی تواند در برداشته باشد. در واقع، اقتصاد مرکانتلیستی در تضاد با اهداف دیپلماسی اقتصادی است و هرگز نمی توان این دو را در طول یکدیگر قرار داد. بنابراین تا زمانی که استانداردها و شاخص های اقتصادی ایران بهبود نیابد و به سمت باز شدن حرکت نکند، اساساً دیپلماسی اقتصادی دستاوردی جز پیدا شدن مشتری جهت فروش نفت، در برنخواهد داشت. از سوی دیگر ورود سرمایه و رونق تجارت در کشوری که اساساً دارای تورم بسیار بالایی است، امکان پذیر نیست و قدرت دیپلماسی اقتصادی و جذابیت بازار ایران را کاهش می-دهد. معضل تورم و بی ارزش بودن ریال ایران، یکی به علت استقرار معیارهای مرکانتلیستی در اقتصاد و دیگری به علت نقدینگی و افسارگسیختگی آن از راه نظام بانکی ماست که متأسفانه هیچ دولتی در ایران بدان توجهی نمی کند و صرفاً همه ی مقصرات بر گردن تحریم انداخته می شود. بنابراین تا وقتی که معیارهای اقتصاد ایران، به معیارهای جهانی نزدیک نشود، تورم کاهش نیابد، ارزش پول افزایش پیدا نکند و نقدینگی در کشور کنترل نشود، دیپلماسی اقتصادی نمی تواند از قدرت و تحرک لازم برخوردار شود. همچنین بازیگران اقتصادی خارجی نیز میلی به بازار بی ثبات و بسته ندارند. تلاش

این سیاست، ابتدا باید در میان همه ی نخبگان حاکم، فهم مشترکی وجود داشته باشد که متاسفانه در حال حاضر در میان بسیاری از نخبگان و محافل داخلی ایران، بر سر بسیاری از چالش های سیاست خارجی، تفاهم کلی وجود ندارد و بسیاری از فرصت ها صرفاً دستمایه ی تعصبات جناحی می شود! دومین اصل آن است که از روابط همسایگی دوری جست و به سیاست همسایگی یعنی یک برنامه مدون هدفمند روی آورده شود. متاسفانه بر دستگاه خارجه ی کشور ما بیشتر روابط خارجی حاکم است و نه سیاست خارجی و بنابراین صرف برقراری رابطه نه می تواند سیاست همسایگی را محقق کند و نه دیپلماسی اقتصادی را به پیش براند. اصل سوم آن است که از بکارگیری ادبیات غیردیپلماتیک، بعضاً خصمانه و تهاجمی، در تریبون های رسمی و غیررسمی نظام جمهوری اسلامی، بشدت خودداری شود. به هیچ عنوان نباید اهداف والایی، همچون قدرت منطقه ای شدن یا صدور آرمان های انقلاب، علناً بیان شود؛ چرا که موجب جبهه گیری کشورهای همسایه و ترس آنان از قدرت جمهوری اسلامی ایران می شود. هژمون طلبی، خواسته ی همه ی دولت هاست اما تظاهر علنی آن باعث کاهش قدرت نرم، ایجاد ائتلاف های منطقه ای و سوءاستفاده ی قدرت های بزرگ می شود. همواره باید

در خطر نیوفتد و از قدرتش کاسته نشود، بی مهابا بر ضد نظم کنونی طغیان نمی کند و با پذیرش آن در این قاعده جهانی به کنشگری اقتصادی می پردازد. توجه به این موضوع حائز اهمیت است که کشورهای جهان از ترس تنبیه که توسط نظام اقتصادی جهان حاکم شده، در بیشتر مواقع تنها با کشورهایی به تعاملات اقتصادی می پردازند که طرف مقابلشان نیز پیرو قواعد جهانی باشند. دلسردی چین از بازار ایران و روی آوردن به دیگر کشورهای خاورمیانه در این مقال می گنجد و متاسفانه به این واقعیات پیرامونی توجه کافی نمی شود. بنابراین دستگاه سیاست خارجی می بایستی همگام با اولویت داشتن اهداف دیپلماسی اقتصادی، تمام تلاش خود را جهت رفع تحریم ها به عمل آورد. خطرترین مسئولیت دستگاه خارجی ایران بایستی در این مهم باشد و بدان توجه وافر گردد. اما نخستین گام در جهت آغاز دیپلماسی اقتصادی پیگیری سیاست همسایگی است. دیپلماسی اقتصادی ایران می باید در ابتدای امر، در منطقه ی خود دارای سهم بسزایی باشد. برای تحقق این هدف، سیاست همسایگی اهمیت پیدا می کند. سیاست همسایگی اصولاً دارای یکسری قواعد است که ضمن رعایت آن می توان در پرتو آن دیپلماسی اقتصادی را در منطقه گستراند. برای آغاز

تصویری صلح جو و مشارکت طلب از خود به نمایش گذاشت و همکاری های منطقه ای را حتی با رقبای منطقه ای افزایش داد. همچنین همگام با باز شدن اقتصاد، نهادهای غیردولتی اقتصادی توان کنشگری می یابند و در تحقق سیاست همسایگی و دیپلماسی اقتصادی سهم بسزایی خواهند داشت، کما اینکه در اروپا نیز روند همگرایی اینگونه آغاز شد. در مجموع، به عنوان نتیجه گیری، نوع خوانش ما نسبت به مبحث دیپلماسی اقتصادی وارونه است؛ تحقق دیپلماسی اقتصادی صرفاً با راه-اندازی یک معاونت تحت این عنوان در وزارت امور خارجه نمی تواند کارساز باشد و باید تلاش نمود، موانع داخلی و خارجی رفع شود تا شرایط استفاده بهتر از این ابزار فراهم شود.



ظرفیت اقتصادی سازمان همکاری شانگهای

مهدی ملکی

دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

تاریخچه سازمان

سازمان همکاری شانگهای به عنوان یک سازمان بین المللی منطقه ای در آوریل ۱۹۹۶ از طریق اجلاس سران پنج کشور چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان در شانگهای بر تقویت امنیت مرزهای خود و به دنبال آن افزایش همکاری های نظامی، توافق کردند که بعدها دامنه همکاری آن میان کشورهای عضو به حوزه های اقتصادی، مبارزه با تروریسم و افراط گرایی و... گسترش یافت



فرصت های پیش رو

میان به دلیل موقعیت ژئواستراتژیک ایران در منطقه و وجود کریدورهای مختلف به گونه ای است که بر اساس گزارشی که صندوق جهانی پول منتشر کرده، برآورد شده که طی ۵ سال آینده منتهی به ۲۰۲۳، ظرفیت اقتصادی کشورهای عضو سازمان شانگهای از اقتصاد گروه «۷» پیشی خواهد گرفت. به علاوه آنکه در این سازمان در حوزه جمعیت و منابع انسانی با تشکیل دادن ۴۰ درصد جمعیت جهان، از اهمیت بسزایی برخوردار بوده. اهمیت این سازمان از این جهت است که ۳۳ درصد

از طریق پتانسیل و ظرفیت های موجود در این سازمان می توان به اهمیت عضویت و فرصت های مغتنم پیش روی ایران در این ائتلاف بین المللی پی برد. سوای از اشتراکات فرهنگی و قومی که ضمن ایجاد پیوندهای مختلف پایه های همکاری در سایر زمینه ها را به ارمغان می آورد میزان توجه به میزان حجم مبادلات و تجارت خارجی میان کشورهای عضو، و در این

کل خشکی های جهان، ۴۲ درصد جمعیت دنیا، ۲۵ درصد تولید ناخالص ملی دنیا، ۲۰ درصد تجارت دنیا، ۴ قدرت اتمی دنیا و ۲ عضو دائم شورای امنیت عضو آن هستند. همکاری های ایران با اعضای این سازمان (به جز چین) چندان برجسته نبوده و سهم ایران از بازار وارداتی ۳ هزار میلیارد دلاری ۱۱ کشور عضو کمتر از نیم درصد است. از بعد دیگر که در مفاد و بندهای همکاری این سازمان اشاره شده، مسئله مبارزه با تروریسم و افراط گرایی می باشد که با توجه به نقش مهم و موفق که سردار شهید حاج قاسم سلیمانی با همکاری سایر کشورها در محور مقاومت بر علیه داعش داشتند، این دستاورد عظیم به نوبه خود الگویی بود برای سایر کشورهاست که در مقابل هر گونه افراط گرایی ایستاده و مبارزه کنند. این عامل در جای خود در همگرایی و همکاری ایران با سایر کشورهای عضو نقش بی بدیل دارد

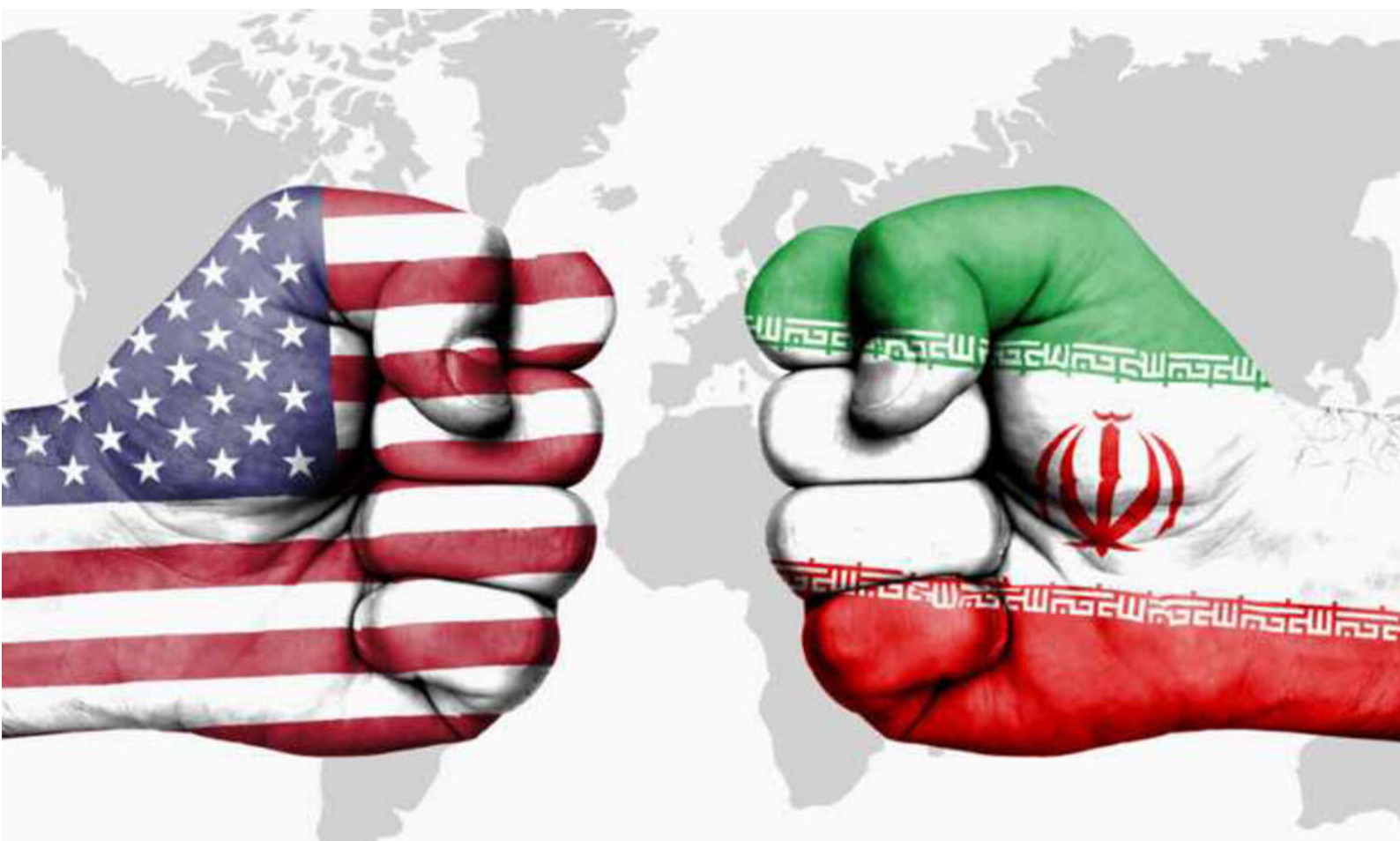
دستاوردی از سیاست خارجی متوازن

عوامل داخلی، عامل خارجی همچون اقبال و پیگیری های مستقلانه روسیه از بابت تبدیل ایران به عضو اصلی سازمان درخور توجه است. لذا با اهمیت و اولویت قراردادن همسایگان و کشورهای منطقه در دولت سیزدهم از یک سو و از طرفی ائتلاف با کشورهایی که از بعد سیاست خویش در برابر غرب تا حدودی همسویی و اشتراک نظر دارند، زمینه های این پیوستن را فراهم آورد. البته باید اشاره کرد که ابتدا اعضای این سازمان در کنار نوع برداشت و سیاست خارجی دول قبل، از پذیرش ایران که منجر به رویارویی (توجه به شرایط) در مستقیم در مقابل غرب می شد و این مهم با سیاست های دو گانه و مبهم کشوری همچون چین همخوانی لازم (در برابر آمریکا) نداشت از عضویت اصلی ایران پرهیز می کردند

اگرچه از دول قبلی تلاش هایی برای تبدیل شدن به عضویت اصلی صورت می گرفت، اما با روی کار آمدن دولت سیزدهم و پی ریزی سیاست خارجی متوازن که برخلاف دولت قبل که نگاهی صرف به غرب داشت و از تعامل و دیپلماسی با کشورهای منطقه و همسایه تا حدی غافل شده بود، بر تسریع و هدفمندی این سیاست و تلاش ها افزود و در نتیجه منجر به اقبال و استقبال کشورهای عضو جهت به عضویت اصلی درآمدن ایران در این سازمان شد. اما این بدین معنا نبود که «همه تخم مرغ ها داخل سبد شرق قرار گرفته است!» چراکه نوع نگاه به غرب و مذاکرات وین، دلیلی بر ردّ این سخن است. ضمن آنکه در کنار نقش



اثرات تحریم ها به کجا می رسد



همانطور که در بالا اشاره کردیم اگرچه در کوتاه مدت می توان از آثار تحریم های اقتصادی کاسته شود منتهای مراتب این بستری و ظرفیتی که برای ایران فراهم شده، نگاه بلند مدت و مبادلات اقتصادی و... با همه کشورها را می طلبد که علاوه بر کاهش تاثیرات ارز و... همکاری دو و چندجانبه را با سایر کشورها در زمینه های مختلف به ارمغان می آورد.

دلار زدایی

کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای، بالاخص چین و روسیه درصدد انعقاد پیمان هایی مبتنی بر ارز ملی هستند تا بدین گونه از اثرات ارز که تبدیل به اهرم و ابزاری برای اعمال تحریم های آمریکاست، بکاهند. حتی اعمال این سیاست در خارج از این سازمان با متحدان دوگانه آمریکا همچون عربستان توسط چین طی سفر اخیر نخست وزیر این کشور به ریاض مبنی بر توجه هر چه بیشتر در معاملات نفتی به پترو یوآن بجای پترو دلار صورت گرفت



تحقق ظرفیت ها با دیپلماسی اقتصادی

برای بهره برداری و استفاده کامل از این ظرفیت نیارمند یک دیپلماسی قوی اقتصادی جهت فراهم سازی بستر های لازم برای دستیابی هرچه بیشتر به بازارها و افزایش حجم مبادلات می باشد. این مهم از طرق مختلف من جمله افزایش کریدورها ضمن تحکیم مسیرها و کریدورهای فعلی، هستیم که علاوه بر همکاری های امنیتی و نظامی، منجر به برقراری روابط دو و چندجانبه اقتصادی با کشورهای عضو می گردد که بدین صورت با دور زدن تحریم و فشارهای اقتصادی غرب، موجب کاهش و خنثی سازی اثرات آن می شوند. از نظر همکاری اقتصادی و تجاری، کل حجم کنونی اقتصادی سازمان همکاری شانگهای نزدیک به ۲۰ تریلیون دلار آمریکا است که از ابتدای تاسیس آن بیش از ۱۳ برابر افزایش یافته است. از بعد دیگر باید در نظر داشت که این سازمان، بسترهای مناسبی برای ارتباط و تعامل با هر یک از کشورهای عضو را فراهم آورده که برقراری مناسبات با هر کدام نیازمند توجه به شرایط و موقعیت و تناسب سیاست خارجی آنها با اهداف و اصول سیاست خارجی جمهور اسلامی ایران است.

سازمان همکاری اقتصادی اکوو ظرفیت آن برای جمهوری اسلامی

عارف رجیبی 

کارشناسی عمران دانشگاه بین الملل امام خمینی (ره)



تاریخچه سازمان همکاری اقتصادی اکو

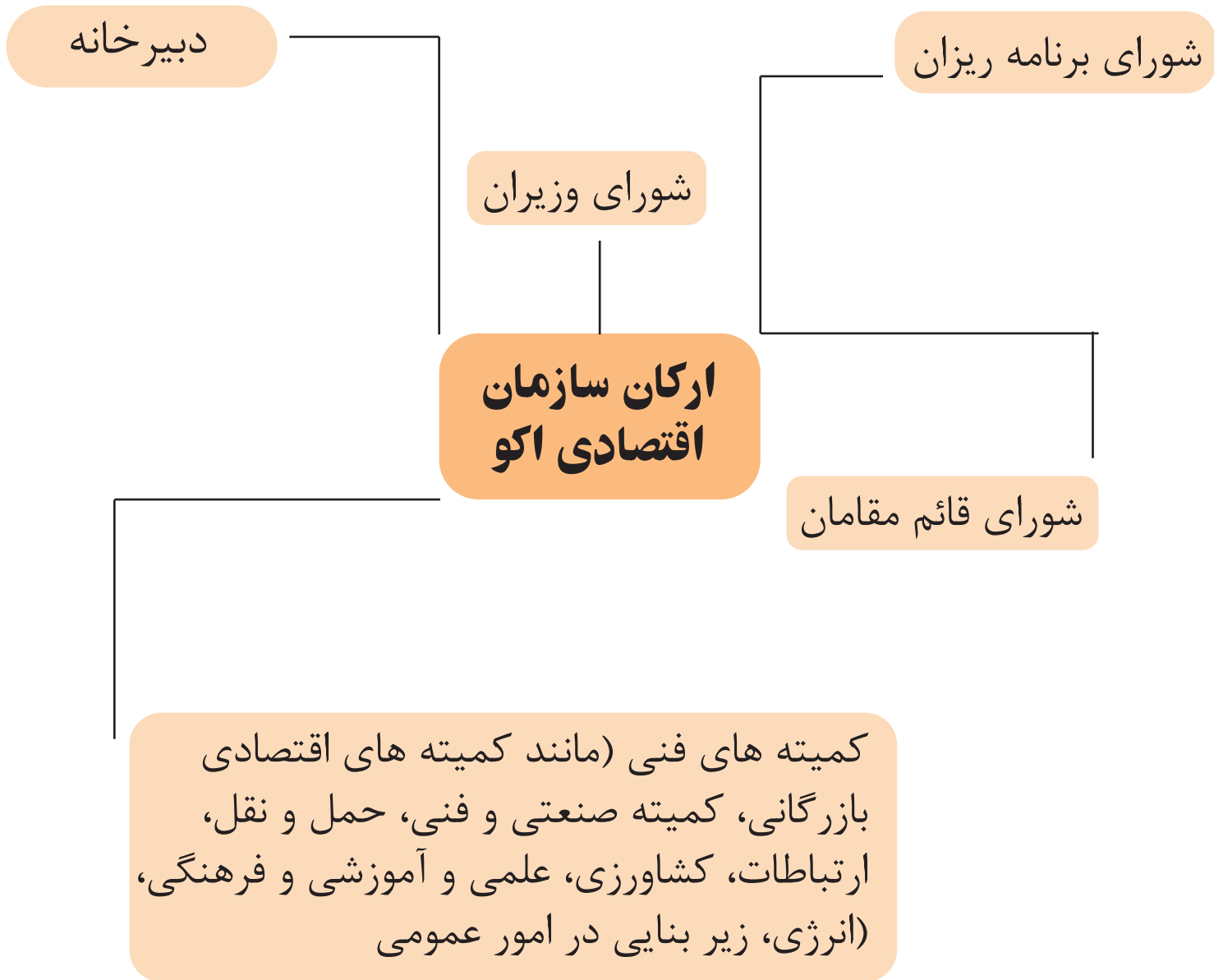
این همکاری سه جانبه، جنگ تحمیلی و محاصره اقتصادی کشورهای غربی علیه ایران بود. این سازمان با همکاری سه کشور ایران، پاکستان و ترکیه تحت نام جدید یعنی اکو به کار خود ادامه داد. اولین اجلاس این سازمان در سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی سال ۱۳۷۰ در تهران با حضور سران ایران، ترکیه و پاکستان کشور برگزار گردید. کشورهای افغانستان، تاجیکستان، آذربایجان، ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان نیز به این سازمان پیوستند.

فعالیت های سازمان همکاری عمران منطقه ای از ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۷ تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت. از اوایل ۱۳۵۷ با پیروزی انقلاب اسلامی در فعالیت این سازمان یک وقفه ی کوتاهی رخ داد و روند آهسته ی به خود گرفت. اگرچه عهدنامه از میر (اساسنامه سازمان) به تصویب دولت ایران رسیده بود اما جمهوری اسلامی ایران نسبت به آن نظر قاطعانه نمی داد. در سال ۱۳۵۹ تصمیم به انحلال آن گرفته شد اما در آخر تصمیم به حفظ این سازمان گرفته شد. از دلایل مهم حفظ این سازمان حفظ

اهداف سازمان همکاری اقتصادی اکو

اجتماعی، فرهنگی، فنی و علمی، توسعه زیربنای حمل و نقل و ارتباطات. ۴. توسعه همگرایی بخش دولتی و خصوصی با تأکید بر آزادسازی اقتصادی. ۵. تدوین برنامه مشترک جهت توسعه منابع انسانی و بهره برداری از منابع طبیعی

۱. ارتقای شرایط برای توسعه اقتصادی پایدار و افزایش سطح زندگی و رفاه مردم. ۲. گسترش تجارت منطقه ای و فرامنطقه ای و حذف موانع تجاری میان کشورهای عضو. ۳. تلاش در جهت ادغام تجارت کشورهای منطقه با تجارت جهانی و ارتقای همکاری های اقتصادی،



ایران و سازمان همکاری اقتصادی اکو

کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و همسایه های ایران هستند. ایران با ۵ کشور این سازمان مرز مشترک زمینی و با قریزستان مرز مشترک دریایی دارد از این رو این کشورها جایگاه استراتژیکی برای جمهوری اسلامی ایران دارند. پس از فروپاشی شوروی به ابتکار جمهوری اسلامی ایران کشور جدا شده از اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۴ به عضویت رسمی این سازمان درآمدند. جمهوری اسلامی ایران نقش مهمی و تأثیرگذاری در شکل گیری سازمان همکاری اقتصادی اکو داشته است. این سازمان بازاری با جمعیت حدود ۴۰۰ میلیون برای تجارت خارجی ایران مهیا می-کند. به نقل از گمرک ایران، سید روح اله لطیفی اظهار داشته است : از ابتدای امسال تا پایان مرداد ماه، هفت میلیون و ۹۴۴ هزار و ۳۲۲ تن کالا به ارزش چهار میلیارد و ۹۶۷ میلیون

و ۳۱۹ هزار و ۸۴۹ دلار بین ایران و سایر کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی اکو تبادل کالا شد که سهم صادرات، ۶ میلیون و ۱۰۷ هزار و ۳۱۱ تن به ارزش دو میلیارد و ۹۵۳ میلیون و ۳۰۳ هزار و ۵۳۲ دلار بود و یک میلیون و ۸۳۷ هزار و ۱۱ تن کالا به ارزش دو میلیارد و ۱۴ میلیون و ۱۶ هزار و ۳۱۷ دلار نیز از این کشورها به جمهوری اسلامی ایران وارد شده است؛ تراز تجاری ایران به نسبت واردات از کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصاد مثبت است. نکته ی که وجود دارد میتوان با یک برنامه بلند مدت حجم تجاری ۵ میلیاردی را با توجه به یک بازار ۴۰۰ میلیونی به ۱۰ میلیارد دلار برسانیم. از دلایل عدم موفقیت این سازمان نسبت به سازمان های مشابه میتوان به اختلافات سیاسی میان اعضای این سازمان اشاره نمود





چشم انداز عضویت در بریکس

زهرا مظهري

دانشجوی کارشناسی نرم افزار دانشگاه علم و فرهنگ

بریکس گروهی به رهبری قدرت‌های اقتصادی نوظهور دنیاست که نام آن برگرفته از حروف اول نام کشورهای عضو آن یعنی برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی می‌باشد. اعضای گروه بریکس به غیر از روسیه در رسته‌ی کشورهای در حال توسعه یا اقتصادهای در حال ظهور محسوب می‌شوند، اما عموماً آنچه این کشورها را از سایرین متمایز می‌کند دارا بودن اقتصادی با رشد بالا و نفوذ و تأثیرگذاری بر امور جهانی و منطقه‌ای است. متوسط رشد اقتصادی اعضای این گروه نسبت به بالاتر از میانگین جهانی ۲/۹ درصد در این بازه است

افزون بر موارد عنوان شده بریکس از ابعاد دیگری نیز گروهی مهم و قابل توجه محسوب می‌شود؛ کشورهای عضو مجموعه بریکس بیش از ۴۰ درصد جمعیت و ۳۰ درصد مساحت جهان، ۱۸ درصد تجارت کالا، ۲۵ درصد سرمایه‌ی جذب شده به اقتصاد جهانی، ۲۸ درصد قدرت اقتصادی دنیا و ۲۶ درصد تولید ناخالص داخلی جهانی را در اختیار دارند به دلیل محسوب شدن بریکس به عنوان یک ائتلاف فرا قاره‌ای به خوبی این قابلیت وجود دارد که ساختار نوینی برای اقتصاد و حتی سیاست جهانی تعریف و ایجاد شود. همچنین این ظرفیت نیز وجود دارد تا در مجامع و مباحث مهم اقتصادی و سیاسی بین‌المللی بریکس به صدایی بلند بدل گشته و نظم فعلی جهان را با چالش جدی مواجه نماید، هرچند که با بررسی سیر تحولات این کشورها روشن می‌شود که از ابتدا مبنای این گروه نقش‌آفرینی در دنیای چندقطبی یا نظم نوین جهانی آینده و به چالش کشاندن نظم کنونی حاکم بر نظام بین‌الملل بوده است. از همین روست که هوجین تائو، رئیس‌جمهور پیشین چین نیز معتقد بود گروه کشورهای عضو بریکس، حامی و ارتقادهنده‌ی وضعیت کشورهای در حال رشد و نیرویی برای حفظ صلح جهان هستند. موضوعات اقتصادی متعددی همانند امور بانکی، انرژی، حمل‌ونقل، مخابرات

از مسائل مورد توجه این گروه محسوب می‌شود و در همین راستا نیز اقداماتی صورت گرفته است برای مثال گروه بریکس اقدام به برپایی (۱) بانک توسعه‌ی نوین کرده است که این بانک به کشورهای عضو یا کشورهای در حال توسعه برای ساختن زیرساخت یا برپا کردن صنایع وابسته به انرژی‌های بازگشت‌پذیر وام می‌دهد جایگاه بی‌مانند و کنترل ناشدنی (۲) دلار در نظام پولی و مالی جهان یکی از مهم‌ترین پایه‌های قدرت آمریکا در عرصه‌ی جهانی است. از این رو با فزونی یافتن چالش‌ها میان آمریکا و قدرت‌های بزرگ مانند جنگ تجاری چین و آمریکا، تحریم شدن برخی شرکت‌های چینی و تحریم‌های سخت روسیه توسط آمریکا پس از جنگ اوکراین، قدرت‌های نوظهور غیر غربی در پی راهکاری برای رهایی از دلار و یافتن جایگزینی برای آن بودند. در این راستا برخی اعضای بریکس مانند چین و روسیه توافق کرده‌اند که داد و ستد میان خود را به واحدهای پولی یوان و روبل انجام دهند. همچنین روسیه تلاش کرده تا دلار زدایی را به گروه بریکس بیاورد، در این راستا روسیه پیشنهاد کرده است تا اعضا برای تجارت میان خود از واحدی به نام بریکس پی استفاده کنند که از سبد ارزی کشورهای عضو بریکس ساخته می‌شود.



ایران به عنوان قدرتی دارای سیاست نگاه به ظرفیت‌های شرق، دارای منافع مشترک با بریکس است که منجر خواهد شد تا طرفین به اهداف مشترک بسیاری خواهند رسید. مسئله مهم دیگر بازسازی چهره ایران از کشوری منزوی و یا محدود شده در سیاست خارجی به کشوری فعال و مورد توجه در مراودات بین‌المللی است. هر اقدامی در این راستا حتی اگر آورده به خصوصی نداشته باشد برای تغییر افکار عمومی فعلی بسیار حیاتی بوده و در راستای منافع ملی محسوب می‌شود. تلاش برای تحقق نظام چندقطبی و نقش‌آفرینی کشورهای متعدد و متفاوت علی‌الخصوص قدرت‌های نوظهوری همانند اعضای بریکس در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی و همکاری‌های اقتصادی متعدد و مشترک از اشتراکات میان ایران و اعضای بریکس محسوب می‌شوند که گسترش روابط میان این کشورها موجب دستیابی و تحقق این اهداف مشترک و سایر چشم‌اندازهای دولت سیزدهم در مسئله سیاست خارجی خواهد شد.

ترانزیت سبب خواهد شد که اعضای گروه بریکس نگاه ویژه‌ای به ایران داشته باشند، برای مثال به دلیل اینکه ایران به عنوان مسیر اتصال ترانزیتی مهم شرق به غرب محسوب می‌شود و از آن سو نیز چین از بزرگ‌ترین صادرکنندگان کالا به نقاط مختلف جهان محسوب می‌شود، چین نگاه ویژه‌ای به ایران دارد تا از این طریق مسیر مناسب و سودمندی را برای صادرات خود ایجاد کند. از دیگر سوی ایران تأمین‌کننده‌ی بزرگ انرژی محسوب شده و فرصت‌های اقتصادی بسیاری نیز برای شکوفایی نیاز به سرمایه‌گذاری خارجی دارند که بریکس می‌تواند فراهم‌کننده بستری برای این امر باشد. همچنین ایران به دلیل دارا بودن منابع نفت و گاز فراوان می‌تواند با جذب سرمایه‌های بریکس در این حوزه، انرژی این گروه را نیز تأمین نماید. (ب) سیاسی: به دلیل موقعیت جغرافیایی ایران، این ظرفیت وجود دارد تا جایگاهی کلیدی برای بریکس در منطقه تضمین شود. در مقابل نیز عضویت در بریکس سبب تقویت مواضع سیاسی ایران در نظام بین‌الملل خواهد شد چرا که اعضای این گروه در اتخاذ تصمیمات متعدد و مهمی نقش اثرگذاری دارند. در کوتاه مدت و بلند مدت این عضویت نمود تأکید فزاینده بر مواضع ضد غربی و ضد استعماری ایران دارد.

نزدیک به ۶ سال پیش چین طرحی را با نام بریکس پلاس برای گسترش اعضای بریکس ارائه داد که فرصتی برای کشورهای دیگر فراهم می‌آورد تا از این گروه برای پیش بردن منافع خود و همچنین همکاری برای پیش برد منافع مشترکی نظیر عبور از آمریکا و اروپا در مسائل اقتصادی بهره‌گیرند. ایران نیز برای عضویت در این سازمان درخواست رسمی داد که شرکت در این گروه برای ایران صرف نظر از زمینه‌سازی برای شکوفایی تجارت می‌تواند عرصه‌ای برای بررسی راه‌های متنوع و همچنین همکاری برای مقابله با سلطه‌ی اقتصادی و حتی سیاسی آمریکا محسوب شود. به همین دلیل برای بررسی اثرات عضویت ایران در بریکس می‌توان این اتفاق را در دو مقوله‌ی اقتصادی و سیاسی مورد بررسی قرار داد. الف) اقتصادی: همان‌طور که در ابتدا نیز بیان شد ۲۸ درصد قدرت اقتصادی جهان عضو بریکس می‌باشند که این مسئله فی‌نفسه موجب اثرگذاری‌های قابل توجهی در فضای اقتصادی ایران خواهد شد. یکی از این تأثیرات کاهش ارزش و اثرگذاری دلار (با توجه به طرح‌های پیش‌تر اشاره شده) و در پی آن کاهش اثرات تحریم غرب خواهد بود. همچنین جغرافیایی ایران و همچنین ظرفیت‌های موجود در حوزه انرژی و



دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی دولت سیزدهم

سعید واشقانی فراهانی

دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات خاور میانه و شمال آفریقا
دانشکده روابط بین الملل امور خارجه

مقدمه

همواره یکی از مسائل بسیار مهم در سیاست خارجی دولت ها، دیپلماسی اقتصادی است. این نوع از دیپلماسی شرایط سرمایه گذاری برای شرکت های ملی در خارج کشور و همچنین راه های سرمایه گذاری شرکت های خارجی در کشور را هموار می کند. یکی از مشکلات اساسی دولت های روی کار آمده ایران در این سال ها عدم توجه به دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی است. با روی کار آمدن دولت سیزدهم و انتخاب دکتر امیر عبداللهیان به عنوان وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، یکی از اولویت های دستگاه سیاست خارجی دیپلماسی اقتصادی قرار گرفت. در این نوشتار سعی می شود به میزان حجم تجاری جمهوری اسلامی ایران در این یک سال در حوزه تجاری با کشورهای همسایه، چین، روسیه، اتحادیه اروپا و در نهایت به ارزیابی آن بپردازیم.

● حجم تجارت خارجی جمهوری اسلامی ایران

و روش‌های نقل و انتقال پول و همچنین روش‌های شبه سوئیفت انجام شده است. رییس کل گمرک ایران - اعلام کرد که در سه ماهه امسال نزدیک به ۳۶ میلیون تن کالا به ارزش ۲۵.۵ میلیارد دلار بین ایران و سایر کشورها تبادل شد که نشان‌دهنده رشد ۱۹.۵ درصدی تجارت خارجی ایران در بهار امسال است. با پیشتازی سه ماهه صادرات نسبت به واردات در سال جدید، تراز تجاری کشور مثبت ۶۰۵ میلیون دلار شد.

● میزان تجارت ایران با کشورهای همسایه

طبق آمار گمرک که توسط سخنگوی گمرک اعلام شد تجارت خارجی کشور در پنج ماهه نخست سال جاری مربوط به مراودات تجاری با ۱۵ کشور همسایه بر اساس میزان تجارت با همسایگان از مرز ۲۰ میلیارد دلار عبور کرد و رشد ۲۴ درصدی را ثبت کرده است. در این بین کشورهای عراق، امارات، ترکیه، افغانستان، پاکستان، عمان و آذربایجان به ترتیب مقاصد اصلی صادرات ایران به کشورهای همسایه بوده است. آمارهای تجارت خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به سال‌های گذشته نشان از افزایش تجارت ایران با کشورهای همسایه است. این آمارها نشان‌دهنده ی:

- ۱. در الویت قرار گرفتن کشورهای همسایه در تجارت خارجی
- ۲. رویکرد دیپلماسی اقتصادی در دولت سیزدهم

با توجه به موقعیت منطقه‌ای ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران و در همسایه بودن با ۱۵ کشور، این موقعیت برای ایران یک بازار ۱۲۰۰ میلیارد دلاری را فراهم می‌کند. که الان ما از این بازار حدود ۲۰ الی ۳۰ میلیارد دلار سهم داریم که می‌توانیم با یک برنامه ریزی بلند مدت آن را به ۲۰۰ الی ۳۰۰ میلیارد دلار در آینده برسانیم.

تجارت خارجی ایران و چین

چین یکی از شرکای اصلی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد و همچنین دارای ظرفیت های عظیمی در حوزه ی اقتصادی است به طوری که پیش بینی می شود در سال های آینده از نظر از آمریکایی ها پیشی بگیرند و به بزرگ ترین اقتصاد جهان تبدیل شوند. سعی دولت سیزدهم بر خلاف دولت دوازدهم که به کلی ظرفیت اقتصادی چین یا بهتر از بگوئیم شرق را کنار گذاشته بود این دولت در درصد است حجم اقتصادی و میزان تجارت خود را با چین افزایش دهد. براساس گزارش گمرک چین میزان تجارت این کشور با جمهوری اسلامی ایران از تاریخ ژانویه ۲۰۲۲ تا نوامبر ۲۰۲۲ به ۱۴/۶۰۰ میلیارد دلار می رسد که به مدت مشابه خود با افزایش ۱۱ درصدی همراه بوده است. صادرات چین به ایران در ماه های ژانویه تا نوامبر ۲۰۲۲ نیز رشد ۱۷ درصدی داشته و به ۸ میلیارد و ۵۵۰ میلیون دلار رسیده است. چین در مدت مشابه سال قبل ۷ میلیارد و ۳۳۰ میلیون دلار کالا به ایران صادر کرده بود. تراز تجاری دو کشور در ۱۱ ماهه سال جاری میلادی هم به میزان ۲.۵ میلیارد دلار به نفع چین بوده است. آمارهای تجارت ایران و چین در دولت سیزدهم افزایش ۱۱ درصدی همراه بوده است اما این حجم تجارت خارجی در

مقایسه با کشورهای همچون عربستان سعودی به هیچ عنوان قابل قبول نیست. حجم تجارت خارجی عربستان با چین به ۸۷ میلیارد دلار می رسد که این آمار در مقایسه با حجم تجارت ما با چین قابل مقایسه نیست. با توجه به الویت قرار گرفتن دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی دولت سیزدهم باید برنامه ریزی های بلند مدتی صورت بگیرد تا این میزان تجارت خارجی به میزان قابل توجهی افزایش پیدا کند.

تجارت خارجی ایران و روسیه

حجم تجارت جمهوری اسلامی ایران و روسیه تا اکتبر ۲۰۲۲ به ۴ میلیارد دلار رسیده است که نسبت به سال های گذشته افزایش چشم گیری در دولت سیزدهم داشته است. اما سوالی که وجود دارد این است آیا حجم تجارت خارجی ایران و روسیه با توجه رابطه استراتژیک و همکاری های نظامی این دو کشور قابل قبول است؟ جواب مشخص است خیر، با یک بررسی روابط اقتصادی روسیه با برخی از کشورهای می توان متوجه این نکته شد که روابط اقتصادی ایران و روسیه در نقطه ی ضعف قرار دارد. به عنوان مثال روابط اقتصادی ترکیه و روسیه به ۶۰ میلیارد دلار می رسد در صورتی که روابط اقتصادی ایران و روسیه ۴ میلیارد دلار است. در دولت سیزدهم برای حل مشکلات

اروپا در ۹ ماه اول ۲,۵ میلیارد دلار می باشد. واردات اتحادیه اروپا از ایران در نیمه نخست ۲۰۲۲ با رشد ۳۷ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل مواجه شده و به ۵۵۰ میلیون یورو رسیده است. بزرگ ترین شریک تجاری ایران در اروپا آلمانی ها هستند که میزان تجارت خارجی با این کشور به ۱ میلیارد دلار می رسد. واردات آلمان از ایران در نیمه نخست امسال ۸ درصد افزایش یافته و به ۱۵۱ میلیون یورو رسیده است. آلمان در نیمه نخست سال ۲۰۲۱ ۱۴۰ میلیون یورو کالا از ایران

و فعال کردن زمینه های تجاری میان دو کشور شورای تجاری ایران و روسیه با ابتکار ایران تشکیل شده است. با تشکیل این شورا تجار و فعالان اقتصادی با سرعت بیشتری می توانند مشکلات خود را حل کنند.

تجارت خارجی ایران و کشورهای اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا متشکل از ۲۷ کشور است و یک بازار بزرگی را برای ایران مهیا می کند. حجم تجارت میان ایران و اتحادیه



۱. استفاده از کارشناس های اقتصادی توانمند در سفارت خانه های جمهوری اسلامی ایران
۲. شناسایی بازارهای هدف
۳. ایجاد مکانیزم نقل و انتقال مالی برای دور زدن تحریم ها



وارد کرده است. صادرات آلمان به ایران در نیمه نخست ۲۰۲۲ با رشد ۶ درصدی مواجه شده و از ۷۵۲ میلیون یورو در نیمه نخست سال قبل به ۷۹۹ میلیون یورو در مدت مشابه امسال رسیده است. میزان آمار تجاری ما با کشورهای اروپایی با توجه به افزایش ها نسبت به سال های گذشته، اما فاجعه بار است. میتوانیم برای حجم تجاری پایین ایران و کشورهای عضو اتحادیه اروپا چند دلیل آورد که عبارتند از:

۱. تحریم های علیه جمهوری اسلامی ایران
۲. وجود جریان های ایران هراسی در اروپا
۳. رویکرد خصمانه اروپایی ها نسبت به ایران

نتیجه گیری

آمارهای موجود نشان از افزایش حجم تجارت خارجی جمهوری اسلامی نسبت به دولت دوازدهم است. با روی کار آمدن دولت سیزدهم و انتصاب دکتر صفری به عنوان معاونت دیپلماسی اقتصادی توسط وزیر امور خارجه، دیپلماسی اقتصادی در دولت سیزدهم در الویت های اصلی دستگاه سیاست خارجی قرار گرفت. نکته ی که وجود دارد، درست است حجم تجارت خارجی ما با کشورهای همسایه و دوست افزایش یافته است اما در مقایسه آماری نسبت به حجم تجاری کشورهای مشابه به هیچ عنوان قابل قبول نیست و باید افزایش پیدا کند. سه راهبرد را می توان برای افزایش سطح تجاری کشور مدنظر قرار داد که عبارتند از:



مصاحبه با خانم دکتر ثمانه اکوان

کارشناس مسائل بین الملل

مصاحبه کنندگان : سعید واشقانی فراهانی و
عرفان ابراهیمی

بوجود آمده و چون قدرت کشورها بر مبنای قدرت اقتصادی و میزان سرمایه گذاری ها و درآمدها سنجیده می شود، دیپلماسی اقتصادی اهمیت بیشتری پیدا کرده است. همه کشورها تلاش می کنند تا از دیپلماسی اقتصادی بهره ببرند برای اینکه اگر حوزه نفوذ اقتصادی شان را افزایش بدهند، حوزه نفوذ سیاسی و فرهنگی شان در سایر کشورها نیز بالا می رود.

۲) دیپلماسی اقتصادی در دکترین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در چه جایگاهی قرار دارد؟

در خصوص عملکرد جمهوری اسلامی ایران در حوزه دیپلماسی اقتصادی، متأسفانه باید گفت زیاد عملکرد خوبی نداشته است! ایران به این علت که از روز ابتدای انقلاب دچار تنش ها و درگیری های سیاسی بوده، بیشتر تلاش داشته است تا حوزه نفوذ سیاسی یا در حوزه شراکت و دوستی با کشورها را گسترش دهد و توجهی به دیپلماسی اقتصادی نداشته است. حتی با کشورهایی که از لحاظ سیاسی متحد ما هستند یا شریک ایدئولوژیک ما هستند، در این حوزه هم عملکرد قابل توجهی نداشته ایم. مثلاً با کشورهایمانند عراق، لبنان، سوریه و یا روسیه و چین، ما رفتار دیپلماسی خود را متوجه حوزه سیاسی کردیم تا اقتصادی.

۱) اول از همه اگر امکانش هست، دیپلماسی اقتصادی را تعریف کنید و اهمیت و جایگاه آن امروزه در سیاست خارجی کشورها به چه نحوی است؟

دیپلماسی اقتصادی نوعی از دیپلماسی است که تلاش می کند تا منافع اقتصادی یک کشور را در خارج از مرزهای آن تامین کند. این منافع اقتصادی می تواند شامل آشنایی و معرفی کردن بازارهای اقتصادی برای بازرگانان و صنعتگران باشد و همچنین می تواند تسهیل مقررات و آیین نامه ی کشورهای دیگر برای ارتباط گیری اقتصادی با کشور خودمان باشد. و یا اینکه تلاش برای تغییر قوانین بین المللی در راستای اهداف اقتصادی یک کشور باشد. بنابراین دیپلماسی اقتصادی فقط مذاکره کردن با دیگران نیست که صرفاً رابطه ی اقتصادی ایجاد شود، بلکه تسهیل شرایط ورود و فعالیت در عرصه اقتصادی با سایر کشورهاست. اهمیت و جایگاه آن در سیاست های خارجی دولت ها طی سالیان گذشته بشدت بالا رفته و در روابط بسیاری از کشورها از لحاظ سیاسی به دلیل اینکه جنگ ها نسبت به دهه های گذشته کمتر شده و یک نوع ثبات میان روابط کشورها



ماه به سمت دیپلماسی اقتصادی گرایش پیدا می کند و به این سمت می رود تا از منابع طبیعی و اقتصادی که آن کشورها در اختیار دارند، استفاده کند. بدین ترتیب، لزوماً نداشتن رابطه دوستانه یا به شکل اتحاد مانع از دیپلماسی اقتصادی نیست. ما در این حوزه دارای نقاط ضعف هستیم و اتفاقاً می خواهیم پیشتر بروم و بگویم که در حوزه مطالعاتی هم کاری انجام نداده ایم و سفارتخانه های ما در این حوزه می باید بویژه در شرایط تحریمی، بشدت فعال می بودند. اگر سایت های مختلف سفارت آمریکا در

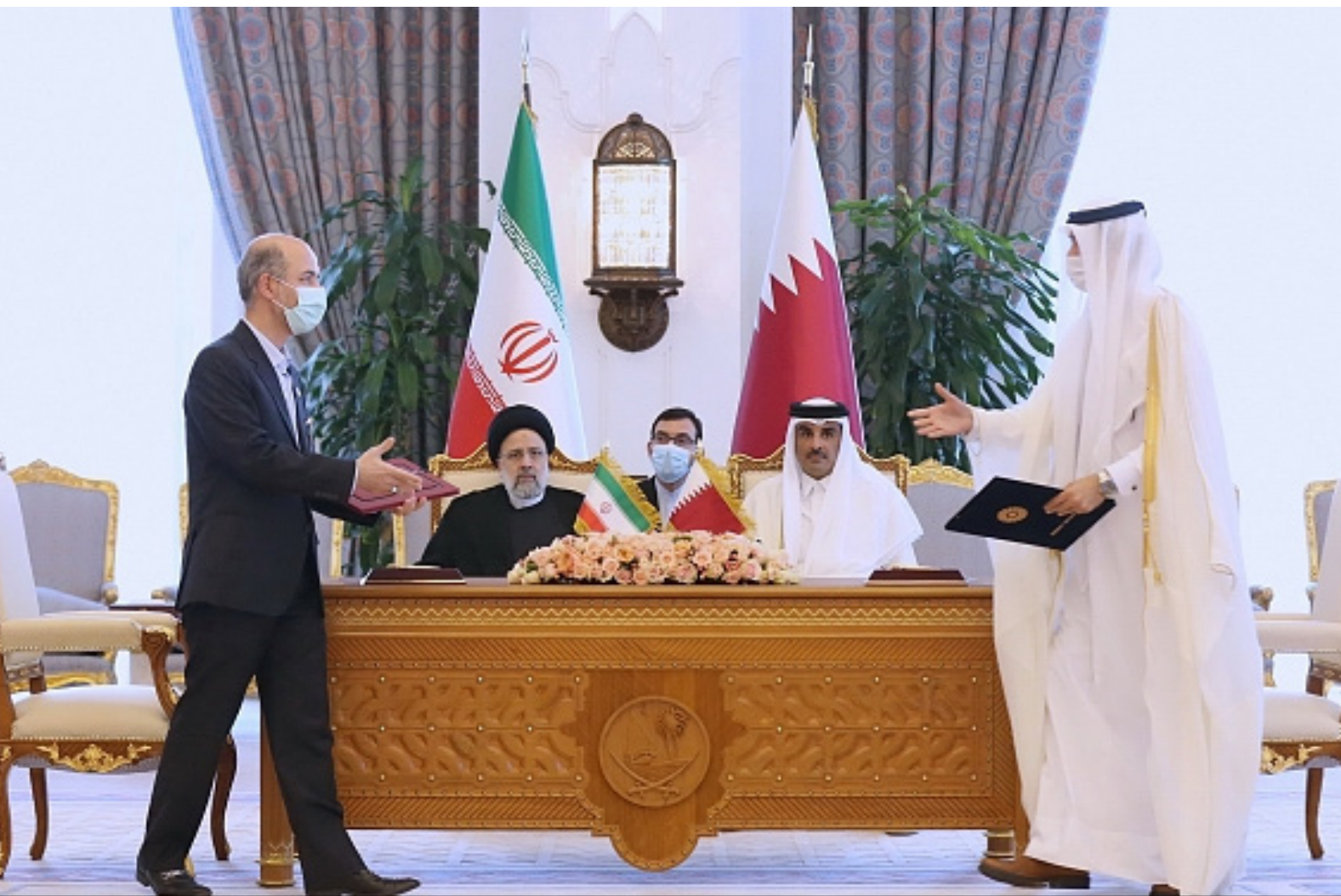
البته این علت می تواند هم متوجه نوع مدیریت سیاست خارجی ماست چرا که اقتصاد را وهله دوم قرار داده ایم. ولی موضوع اصلی این است که ما به علت مشکلی که با ابرقدرت ها داشتیم همیشه در یک بحران سیاسی با سایر کشورها قرار داشتیم به همین دلیل تلاش می کردیم در حوزه نفوذ سیاسی و حتی گسترش حوزه تاثیرگذاری عرصه ی نظامی وارد بشویم. در صورتی که آمریکا بزرگترین متجاوز به خاک کشورهای دیگر است، زمانیکه به خاک کشوری مانند عراق تجاوز می کند، در نهایت بعد از چند

کشورهای مختلف را نگاه ببیند یک بخش ویژه ای دارند که مخصوص بازرگانان و صنعتگران است تا با ارائه مشاوره، به آنان کمک می کند تا حوزه های سرمایه گذاری را معرفی شود و شرایط اقتصادی تعریف گردد. اما در سایت سفارتخانه های ما چنین چیزی یافت نمی شود. در برخی حوزه ها شاید فعالیت هایی صورت گرفته اما خیلی از حوزه اقتصادی عقبیم. در دکترین سیاست خارجی جمهوری اسلامی بعد از اعمال گسترده تحریمهای آمریکا و اتحادیه اروپا تلاش شد تا در این عرصه اقدامی صورت بگیرد اما تحریم ها تا حدی مانع از تحقق آن شد و کمکاری به نظر بنده در این مورد از طرف وزارت امور خارجه کشورمان بوده است.

۳) عملکرد جمهوری اسلامی ایران در حوزه دیپلماسی اقتصادی را چگونه ارزیابی می کنید؟

توجه داشته باشید که تحریم ها تا چه میزان بر تحقق دیپلماسی اقتصادی تاثیر داشته است. تحریم دو نوع است؛ یک نوع تحریم وقتی است که سازمان ملل یا آمریکا و یا اتحادیه اروپا اعمال می کنند و یک بخشی از تجارت و اقتصاد





ایران را مختل و تحریم می کنند. اما نوع دوم که در ظاهر نشان داده نمی شود، اتفاقاً بسیار بخش مهمی است، تاثیرگذاری تحریم ها بر روی انتظارات تحریمی کشورهای دیگر بر ایران است؛ همانطور که ما توقع تورمی داریم که باعث می شود تورم بدون پایه و اساس بالا برود، انتظارات تحریمی که کشورها در خصوص کشورها دارند باعث می شود که ناخودآگاه از تعامل اقتصادی با ایران هراس داشته باشند. بنابراین به این علت که ما نمی توانیم رابطه اقتصادی و بانکی داشته باشیم، سرمایه گذاری خارجی از سوی دولت های دیگر نوعی جسارت و شجاعت می- طلبد. بدین ترتیب این تحریمها موجب بالا رفتن ریسک سرمایه گذاری در ایران می شود و به همین علت تحریم ها نقش منفی قابل توجهی داشته است و تحقق دیپلماسی اقتصادی را با مشکل مواجه کرده است. ما اگر دیپلماسی اقتصادی قوی می داشتیم، شاید ممکن بود در برخی از حوزه ها مشوق-هایی برای سرمایه گذاران خارجی در نظر می گرفتیم تا آنان بوسیله ی این سیاست های تشویقی تصمیم می گرفتند تا با ایران ارتباط اقتصادی بگیرند. اتفاقی که در دولت جدید افتاده این است که به سمت دیپلماسی اقتصادی تا حدی رفته اند اما شرایط و

نظمی که در دنیا مسلط شده و نظم قدیم در حال فروپاشی است، اینها به حوزه دیپلماسی اقتصادی ایران کمک زیادی می‌کند. برای نمونه جنگ اوکراین و جنگ تجاری میان آمریکا و چین با وابستگی‌هایی که کشورهای منطقه می‌توانند بر اقتصاد کشور داشته باشند مخصوصاً در حوزه انرژی، همه‌ی اینها کمک می‌کند تا دستمان برای مذاکرات دیپلماسی اقتصادی بازتر شود و حتی در حوزه دور زدن تحریمها هم بهتر عمل شود. الان جدیدترین گزارشها بویژه در رابطه با تحریمهای روسیه در خصوص جنگ اوکراین، منتشر شده در اندیشکده‌های آمریکایی، به صورت واضح بیان کرده‌اند که خیلی از کشورها بدلیل منافع اقتصادی-شان، تحریمها را اجرا نمی‌کنند و آمریکا آنقدر از ابزار تحریمی استفاده کرده است که بتدریج کارایی همیشگی خود را از دست داده است.

۴) عضویت ایران در سازمان بین‌المللی شانگهای چقدر می‌تواند بر روی دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی تاثیرگذار باشد؟

عضویت در هر سازمان بین‌المللی در شرایط فعلی دو منفعت برای کشور در پی دارد؛ اولین منفعتی که از روز اول

داشته، منتشر شدن این خبر بود. یعنی وقتی که خبر عضویت ایران در این سازمان در رسانه‌ها منتشر شد، نشان داده می‌شود که ابزار تحریم آمریکا علیه ایران در حال ضعف می‌شود و ایران می‌تواند دیپلماسی اقتصادی خودش را علی‌رغم مشکلات پیش‌برد. بنابراین یک حوزه، حوزه‌ی تاثیرگذاری بر افکار عمومی دنیاست. دومین منفعت این است که واقعا وارد عرصه‌ی اجرایی دیپلماسی اقتصادی بشویم و عضویت ایران بتواند موجب ورود علنی کشورمان به بازارهای آسیای مرکزی و شرق آسیا بشود. خیلی از کشورها هستند که نفعشان در آن است که خودشان را از سیستم اقتصادی که آمریکا حاکم کرده، جدا کنند. چین و روسیه جدا از مسائل ایران، در این حوزه کار می‌کنند تا مراودات پولی و بانکی خود را ایجاد کنند تا میزان تاثیرگذاری دلار را کم کنند. ایران از این فرصت‌ها به خوبی می‌تواند استفاده کند. فرصتی که همین چند روز گذشته با روسیه بدست آمد که سیستم‌های پیامرسانی بانکی میان ایران و روسیه شکل گرفت و بکار افتاد. همین عامل باعث می‌شود تا تحریم سویفت یا نظام بانکی نتواند ما را تضعیف کند و سبد ارزی ایران از اینکه دلار ارز پایه‌ی آن باشد، تغییر کند و موجب تقویت پول ملی مان هم می‌شود.

امیدواری این است که دولت متوجه شده باشد که در دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی ما، که اولین چیز برای آنکه دیپلماسی اقتصادی را پیش ببریم، این است که بتوان بین طرفین اعتمادسازی کرد. همین قرارداد ۲۵ ساله میان ایران و چین و قراردادهای دیگری که ما با روسیه در حال منعقد هستیم، تنها قراردادهایی نیستند که از لحاظ سیاسی به نفع ما باشد بلکه قرار است وضع اقتصادی ما را متحول کنند. بنابراین ما باید کمی از خودمان ثبات در عرصه تصمیم‌گیری نشان بدهیم که طرفین هم اعتماد بیشتری حاصل کنند. الان شرایط از لحاظ نظم جدید جهانی و فضایی که بر جهان پدید آمده کاملاً مهیاست و این هنر ماست که می‌توانیم چگونه می‌توان آن را به نفع خودمان استفاده کنیم.

۵) همانطور که می‌دانید که روابط تجاری ما با برخی از کشورهای متحد استراتژیک همچون روسیه و چین در مقایسه روابط آنها با کشورهای دیگر در نقطه‌ای ضعف قرار دارد به نظر شما دلیل این ضعف چه می‌تواند باشد؟

همانطور که قبلاً عرض کردم در حوزه سیاسی با این کشورها بویژه در شرایط فعلی با روسیه بشدت خوب عمل کردیم، اما در واقع باید دید در حوزه عمل چه خواهیم کرد. اخباری که من دارم این است که در مورد بستن قرارداد تجاری با روسیه فعالیت‌های خیلی خوبی صورت گرفته هم در حوزه انرژی، هم در حوزه مواد غذایی و هم در حوزه کالاهای اساسی اتفاقات خیلی خوبی افتاده که نیازمند پشتکار بیشتر برای اجرایی کردن این قراردادها است. ضعف ما در این است که شاید به این علت که ما همچنان چشم به راه غرب برای احیای برجام بسته ایم، کشورهای مثل چین و روسیه می‌ترسند که ایران متحد باثباتی برای آن‌ها نباشد و این اتفاق قبلاً هم رخ داده است. زمانی که ما به توافق برجام رسیدیم، چینی‌ها در ایران بودند تا ادامه قراردادهای انرژی‌شان را پیش ببرند اما دولت ما که نگاهی جامع به غرب داشت، این کشورها را از خود راندیم. و این موضوع یک تجربه تلخ برای روابط ایران و چین شده است. الان



دیپلماسی را تحت تأثیر
مسئله هسته ای قرار ندهید

دیپلماسی اقتصادی را تقویت کنید

باید تحرک ما در عرصه‌ی دیپلماسی افزایش پیدا کند و مضاعف بشود. بایستی در دیپلماسی جنبه‌ی اقتصادی تقویت بشود. دیپلماسی اقتصادی یک چیز بسیار مهمی است. دیپلماسی را تحت تأثیر مسئله‌ی هسته‌ای هم نباید قرار داد. دیپلماسی خیلی دایره‌اش وسیع‌تر است.

بیانات رهبر انقلاب در نخستین دیدار
هیئت دولت سیزدهم

۱۴۰۰/۶/۱۶